

رنگ سفید از منظر قرآن و روانشناسی



علی شریفی^۱
مجید جوکار^۲

چکیده

همه انسان‌ها با محیط پیرامون خود در ارتباط اند، این ارتباط، گاهی با اندیشیدن، گاهی با لمس کردن، چشیدن، شنیدن، بوییدن و گاهی هم با دیدن است. انسان‌ها محیط پیرامون خود را رنگی می‌بینند و این رنگ‌ها در آن‌ها اثری -خواه مثبت و یا منفی- برجای می‌گذارند. این تأثیرات ممکن است فیزیکی و یا روانی باشد، که بعد روانی آن مهم‌تر و آشکارتر است.

علم روان‌شناسی رنگ‌ها، علمی نوین و نوپا است که تأثیرات روانی رنگ‌ها بر انسان‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد. قرآن هم که جامع تمامی علوم است، بشر را از این علم بی‌بهره نگذاشته و طعم این علم را از چهارده قرن قبل به ذائقه‌اش چشانده است. در قرآن از رنگ‌های زرد، سبز، سیاه، سفید، قرمز و کبود یاد شده است و تأثیرات آن‌ها بر

۱- دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی دانشگاه معارف اسلامی قم

نشانی الکترونیکی: sharifi@quran.ac.ir

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآنی

نشانی الکترونیکی: Jokar1324@yahoo.com

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۴/۲۵

* تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۶/۲

انسان، به طور مستقیم و یا غیر مستقیم بیان شده است. رنگ سفید، رنگ مورد بررسی در این مقاله است. از جمله خصوصیات این رنگ، تصور اوج لطافت، صفا، آرامش، رؤیا و... است. بهشت نیز چون سرای جاودانه و به دور از خستگی، ملالت آوری، اضطراب، تاریکی و... است، با این رنگ توصیف می‌شود.

واژگان کلیدی: قرآن، روان‌شناسی، رنگ، سفید



مقدمه

«استعداد انسان در کشف ناشناخته‌ها و گشودن قفل‌ها و بحث از دشواری‌ها و نهان‌ها، استعدادی طبیعی است. انسان، به حکم ترکیب معنوی خود، نمی‌تواند در برابر مجهولات، دست بسته بماند، بلکه در نهاد او انگیزه‌ای است که می‌خواهد به هر چیز که در حواس و خرد او اثر می‌گذارد، معرفت پیدا کند.» (خطیب، ۲۱) رنگ‌ها از جمله عوامل بارز طبیعی هستند که جسم، روح و خرد انسان را مورد تأثیر قرار می‌دهند.

«طبق تحقیقات جامعه‌شناسی، رنگ‌ها، نه تنها افراد را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند، بلکه منجر به پیشرفت و یا رکود جامعه می‌شوند. عدم جایگزینی صحیح رنگ در مکان خاص خود و به کارگیری نادرست آن در محیط‌های انسانی، صدمات روحی شدیدی بر انسان وارد خواهد آمد.

اصلاح املائی کودک با خط قرمز توسط معلم، چراغ قرمز هشدار دهنده برای رانندگان یا سفید بودن پاکت شیر، رنگ آبی یا سبز روشن دیوارهای کلاس درس یا کتابخانه برای مطالعه بهتر و استفاده از پوشش سفید در عالم پزشکی و سبز برای بیماران، همه و همه مؤید این مطلب است که یک ارتباط تنگاتنگ بین نظام خلقت انسان و طبیعت وجود دارد.» (پهلوان حسین، ۱۸۹/۱)

با توجه به وجود روحیه حقیقت طلب در انسان و غریزه کشف مجهولات، در سال‌های اخیر، انسان توانست به راز تأثیر رنگ‌ها بر روند زندگی‌اش پی ببرد و آن را در قالب علم روان‌شناسی رنگ‌ها معرفی کند.

حال چگونه ممکن است که قرآن که جامع تمامی علوم است و به گفته خودش هیچ‌تر و خشکی نیست که از آن در قرآن یاد نشده باشد، مسئله رنگ‌ها و تأثیرات آن بر زندگی انسان را که موجب پیشرفت یا رکود یک جامعه می‌شود، در خود جای نداده باشد؟! این مقاله بر آن است تا بتواند گزارش و تبیین مختصری از این مطلب ارائه دهد.

مفهوم رنگ

رنگ، کیفیتی است که از ظاهر چیزی دیده می‌شود مانند سفیدی، سرخی، سبزی. زبیدی گفته است: رنگ کیفیتی است که از قرمزی و زردی و جز آن به وسیله چشم درک می‌شود. (زبیدی، ۲۰۳/۶) ابن منظور در این باره گوید: رنگ، هیئتی است چون سیاهی و قرمزی. رنگ هر شیء چیزی است که باعث تمایز آن از شیء دیگر می‌شود. (ابن منظور، ۱۱۳/۷)

طریحی نیز رنگ را چون ابن منظور تعریف کرده است. (طریحی، ۳۰۳/۶) بنابراین باید گفت که رنگ از مفاهیم بسیار واضح و معروف در میان عرف و فرهنگ‌های عمومی است، به گونه‌ای که برخی از اهل لغت نیازی به تعریف آن ندیده‌اند. نکته مهم، تفاوت آن با نور است که در قسمت بعد به آن می‌پردازیم». (اصغری نژاد، ۲)

دنیايي که ما آن را نظاره می‌کنیم از دو عنصر مهم تجسمی تشکیل شده است، این دو عنصر عبارتند از فرم (شکل) و رنگ که هر کدام لازم و ملزوم یکدیگرند؛ زیرا با برخورد نور به شیئی و انعکاس آن باعث دیدن رنگ می‌شود. هر موجودی که در این دنیا به چشم می‌خورد، ابتدا از لحاظ شکل و اندازه، احساس می‌شود، سپس در حالی که دارای پوششی از رنگ است مورد توجه قرار می‌گیرد. در عین حال، رنگ علامت مشخصه هر شیئی طبیعی است همان طور که گل سرخ به خاطر رنگش از دور جلب توجه می‌کند و نظر بیننده را به خود معطوف می‌دارد و یک میوه رنگی با رنگش اعلام می‌کند که رسیده است و یا نارس. «بیشتر افراد بینا در میان رنگ‌ها و به یاری رنگ‌ها زندگی و کار می‌کنند و می‌اندیشند؛ بدانند یا نه، بخواهند یا نه، نظامی از رنگ‌ها و کارکردهای رنگ‌ها و منطقی رنگین یعنی نمادگرایی رنگ‌ها فکر و ذکر آن‌ها را به خود مشغول می‌کند. شناسایی بدون رنگ ممکن نیست. رنگ‌ها، درست یا غلط، سرچشمه یا انگیزه برخی احساسات و پاسخ‌های حسی، روانی و حتی شناختی محسوب می‌شوند». (ویتگنشتاین، ۱۶۵)

«رنگ زندگی است؛ زیرا جهان بدون رنگ برایمان مرده جلوه می‌کند، رنگ‌ها ایده‌آگازین و ثمره نور اصلی بدون رنگ هستند و مقابل آن، تاریکی بدون رنگ است. همان گونه که از شعله آتش نور بیرون می‌تابد، بدین سان هم نور رنگ‌ها را به وجود می‌آورد. نور که اولین پدیده در جهان است، از طریق رنگ‌ها روح و طبیعت زنده جهان را برایمان آشکار می‌سازد». (ایتن، ۱۰)

رنگ در علم روان‌شناسی

«روان‌شناسی، دانشی بسیار گسترده است و از دیدگاه‌های گوناگون تشکیل یافته است. لذا نمی‌توان یک تعریف جامع و مورد قبول همه روان‌شناسان را ارائه داد. با این همه اکثر پژوهشگران این رشته، روان‌شناسی را دانش رفتار و فرآیندهای روانی تعریف کرده‌اند که هم رفتار مشهود و هم اندیشه و احساس‌های پنهان را مورد بررسی قرار می‌دهد». (پارسا، ۱۲)



در عوامل طبیعی، هر چیزی را که انسان می‌بیند، با رنگ خاص آن عامل دیده و تشخیص می‌دهد. انسان‌ها غالباً سلیق خاصی در انتخاب رنگ‌ها داشته و هر کس رنگ بخصوصی را بیش‌تر از سایر رنگ‌ها دوست دارد. شاید همهٔ مردم این را ندانند که انسان‌ها، بیش از حد تصور خود از رنگ‌ها تأثیر می‌پذیرند. باید اذعان کرد که غالب مردم، هنوز به یقین و دقیق نمی‌دانند که از نظر روان‌شناسی و فیزیکی تا چه اندازه تحت تأثیر رنگ‌ها هستند. رنگ‌ها با تمام عوامل و جزئیات زندگی ما چنان رابطهٔ تنگاتنگی دارند که باید گفت، مانند پله‌هایی هستند که وجود فیزیکی و روحی انسان را با سایر جزئیات و پدیده‌های جهان هستی در ارتباط قرار می‌دهند. این ارتباط و تأثیر تا حدی است که بشر، برای بیان احساسات درونی خود از رنگ‌ها استفاده می‌کند: فلانی از عصبانیت سرخ شده یا فلانی از خستگی و بی‌حالی مثل گچ سفید شده و... همگان می‌دانند که هر فردی، نسبت به رنگی خاص، جاذبه و یا دافعه‌ای دارد، حتی اگر دافعه یا جاذبهٔ شخص بسیار کم باشد. از روزگاران بسیار دور، رنگ‌ها همواره پیرامون بشر را احاطه کرده و او را تحت نفوذ خود درآورده‌اند.

زندگی بشر اولیه تحت تأثیر دو عاملی قرار داشت که خارج از کنترل او بودند، این دو عامل عبارت بودند از روز و شب؛ یعنی تاریکی و روشنی. شب، محیطی را پدید می‌آورد که فعالیت بشر را متوقف می‌کرد. روز فراهم‌کنندهٔ محیطی بود که در آن کار و عمل مقدور بود و لذا بشر اولیه در روز دست به کار می‌شد تا توشهٔ مواد غذایی خود را پر کند و یا به جستجوی شکار بپردازد. شب به همراه خود، بی‌حرکتی، آرامش و کاهش عمومی سوخت و ساز فعالیت‌های جسمانی را به ارمغان می‌آورد. اما روز به همراه خود، امکان کار و عمل و افزایش فعالیت جسمانی را می‌آورد و به انسان نیرو و هدف می‌دهد.

رنگ‌های مرتبط با این دو محیط عبارتند از: رنگ آبی متمایل به تیرهٔ آسمان شب و زرد روشن نور آفتاب. لذا رنگ آبی متمایل به تیره، رنگ آرامش و عدم فعالیت، اما رنگ زرد روشن، رنگ امید و فعالیت است. از آن‌جا که این رنگ‌ها نشانگر محیط‌های شب و روز هستند، عاملی به شمار می‌آیند که انسان را در کنترل خود دارند، به جای اینکه عناصری باشند که در کنترل بشر قرار می‌گیرند». (لوشر، ۲۲-۱۹)

معلوم شد که انسان‌ها از همان ابتدای خلقت، از رنگ‌ها تأثیر می‌پذیرفته‌اند، تا جایی که فعالیت‌های روزمرهٔ خود را بر اساس رنگ‌ها (روز و شب) تنظیم می‌کرده‌اند. بشر که همواره در پی کشف مجهولات و علل پدیده‌ها می‌باشد، در عصر نوین بابتی در

علم روان‌شناسی، با عنوان روان‌شناسی رنگ‌ها باز نمود تا بتواند از اسرار پدیده رنگ که از ابتدای خلقت انسان او را تحت الشعاع خودش قرار داده است، پرده بردارد.

«رنگ‌ها بر نیازهای روحی - روانی، شرایط یادگیری، کنترل رفتار خشمگینانه، احساسات، درمان افسردگی، اختلالات یادگیری و سطح انرژی اثر دارند. رنگ‌ها در کنترل نبض، تپش قلب، فشار خون، اشتها و حتی خواب مفید هستند و همچنین در درمان بیماری‌هایی مانند میگرن، سرطان، اعتیاد، امراض پوستی و حتی تومورهای مغزی اثر دارند». (عرب اول، ۱۱)

برای نمونه «رنگ سفید، سمبل پاکی، پاکدامنی، بی‌گناهی و صلح است»؛ (شی جی وا، ۲۲)

این رنگ، «رنگی ملیح و براق است و باعث می‌شود که انسان آن گونه که هست جلوه کند. این رنگ اثری دلگشا دارد». (لوشر، ۹۳)

رنگ سفید، «خاصیتی دوگانه دارد: می‌تواند رنگ یک سرویس گران قیمت چینی باشد و یا رنگ یک ظرف کاغذی یک بار مصرف». (شی جی وا، ۲۸)

رنگ در قرآن کریم

هر «اثر هنری، از لحظه‌ای که ارائه می‌شود، منش ارتباطی می‌یابد». (احمدی، ۳۹۱) قرآن کریم نیز با وجود این که یک کتاب هنری یا علمی صرف نیست، چه از جنبه هنری و چه از جنبه علمی، هم تأثیرات روان‌شناختی رنگ‌ها را بیان کرده و هم با نوع بیان هنری خود، از طریق نام رنگ‌ها، بر مخاطب اثر می‌گذارد.

در قرآن کریم از شش رنگ سفید، سیاه (بقره، ۱۸۷؛ آل عمران، ۱۰۶؛ نحل، ۵۸؛ زمر، ۶۰؛ زخرف، ۱۷)، زرد (بقره، ۶۹؛ روم، ۵۱؛ زمر، ۲۱؛ حدید، ۲۰؛ مرسلات، ۳۳)، سبز (انعام، ۹۹؛ یوسف، ۴۳ و ۴۶، یس، ۸۰، کهف، ۳۱، حج، ۶۳، الرحمن، ۷۶، انسان، ۲۱)، کبود (آبی) (انعام، ۹۶) و قرمز (فاطر، ۲۷) یاد و به طور مستقیم یا غیر مستقیم به تأثیرات روان‌شناختی و بعضاً فیزیولوژیکی آن‌ها اشاره شده است. در این مجال، صرفاً به بیان تأثیرات رنگ سفید از منظر قرآن و برخی روایات پرداخته شده است.

رنگ سفید در لغت

قرآن کریم برای بیان رنگ سفید از ماده «بیض» و مشتقات آن (بِیضٌ، بَيْضٌ، أَبْيَضٌ، تَبْيِضٌ، أَبْيَضْتُ و بَيَّضْتُ) استفاده کرده است. بیض و مشتقاتش دوازده بار و طی دوازده آیه به عرصه ظهور نشسته است.

«بیاض از رنگ هاست و شیء ابيض یعنی صاحب سفیدی، مؤنث آن بیضاء، جمعش بیض، واصل آن به ضمّ باء». (مصطفوی، ۳۶۱/۱)

«بیض: بیاض: سفیدی. «يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهُ وَ تَسْوَدُّ وُجُوهُ» ابيضّ از افعال آن است مثل «وَأَمَّا الَّذِينَ ابْيَضَّتْ وُجُوهُهُمْ» و ابيض وصف است مثل «الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ» بیضاء مؤنث ابيض می باشد «وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاظِرِينَ».

بیض (بکسر اول) جمع ابيض است «وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيْضٌ» راغب گوید: به تخم مرغ به جهت سفید بودنش بیضه گویند و جمع آن بیض (بفتح اول) است در وصف حوریان بهشتی آمده «كَأَنَّهُنَّ بَيْضٌ مَّكْنُونٌ».

گفته‌اند: البیاض از رنگ‌ها و ضد سیاه و سواد است (راغب اصفهانی، ۱/۱۵۴) و «در حیوانات و نباتات و چیزهای دیگر استفاده می‌شود». (ابن منظور، ۱۲۲/۷)

تأثیرات رنگ سفید از منظر قرآن کریم

با توجه به آیاتی از قرآن کریم که در آن‌ها از رنگ سفید سخن به میان آمده است، می‌توانیم دریابیم که این رنگ تأثیرات گوناگونی بر انسان دارد:

۱- رنگ سفید نشانهٔ سعادت‌مندی

۱- «يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهُ وَ تَسْوَدُّ وُجُوهُ...» (آل عمران، ۱۰۶)؛ «آن عذاب عظیم) روزی خواهد بود که چهره‌هایی سفید و چهره‌هایی سیاه می‌گردد...».

۱-۲. «وَأَمَّا الَّذِينَ ابْيَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَةِ اللَّهِ...» (آل عمران، ۱۰۷)؛ «و اما آن‌ها که چهره‌هایشان سفید شده، در رحمت خداوند خواهند بود...»

«سپیدی از شریف‌ترین رنگ‌هاست» و در «نهایت صفا» (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۶۹۲/۸) و «لطافت» (تعلبی نیشابوری، ۱۳۴/۸) است و «این لطافت، نورانی است».

(طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۶۹۲/۸)

گفته شده که سفیدی چهره‌ها «به خاطر نور ایمان است». (تستری، ۵۰/۱) و آمده است که «هر کس در این دنیا قلبی سفید داشته باشد، در آخرت چهره‌اش سفید است». (قشیری،

۲۶۹/۱)

«سفیدی از نور است و کسانی که اهل نور حق باشند، به رنگ سفید نامیده می‌شوند و

چهره‌هایشان درخشان می‌شود». (طبرسی، جوامع الجامع، ۱/۱۹۵)

رنگ سفید، رنگی لطیف و شریف است و خداوند با سفید کردن چهرهٔ مؤمنان در قیامت

به شرافت و لطافت آن‌ها می‌افزاید و ملاحظ، پاکسی، پاکدامنی و بی‌گناهی آنان را با این رنگ نمایان می‌کند.

اصولاً رنگ سفید، نشانه افراد سعادت‌مند در رستاخیز است (آل عمران، ۱۰۶) و این نکته از نظر نشانه‌شناسی قابل توجه و بررسی است.

۲. رنگ زیبایی در طبیعت

«... وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيْضٌ وَ حُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَ غَرَابِيبُ سُودٌ» (فاطر، ۲۷)؛ «... و از برخی کوه‌ها، راه‌ها [و رگه‌ها]ی سپید و گلگون به رنگ‌های مختلف و سیاه پر رنگ [آفریدیم]». خدای تعالی طبیعت را خلق کرده و کوه‌ها را جلوه‌ای از آن دانسته است و این کوه‌ها را با «راه‌ها و رگه‌هایی در آن به رنگ‌های مختلف از جمله سفید» (سمرقندی، ۱۰۶/۳) معرفی می‌کند.

چنان‌که بیان کردیم، رنگ سفید، رنگی لطیف و دلگشا و باصفا است. حق تعالی با جلوه دادن رنگ سفید در کوه، لطافت‌های طبیعت را به رخ می‌کشد و با اثری که این رنگ دارد، طبیعت لطیف، باصفا و باعث دلگشایی انسان به هنگام دیدن آن می‌شود.

۳. دست سفید؛ نشانه‌ای اعجاز آمیز

۱-۳. «و نَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءٌ لِلنَّظِيرِينَ» (اعراف، ۱۰۸؛ شعرا، ۳۳)؛ «و دست خود را [از گریبان] بیرون کشید و ناگهان برای تماشاگران سپید [و درخشنده] بود».

۲-۳. «وَأَضْمُمُ يَدَكَ إِلَىٰ جَنَاحِكَ تَخْرُجُ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ آيَةً أُخْرَىٰ» (طه، ۲۲)؛ «دستت را زیر بغلت ببر، وقتی بیرون می‌آید بی هیچ بیماری سفید و درخشان خواهد بود که این معجزه دیگری بر رسالت توست».

۳-۳. «وَأَدْخَلَ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجُ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ...» (نمل، ۱۲)؛ «دستت را از گریبان زیر بغل خود کن آن‌گاه که برآید بی هیچ عیبی سفید و درخشان بیرون آید...»

۴-۳. «اسْلُكْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجُ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ وَأَضْمُمُ إِلَيْكَ جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ فَذَانِكَ بُرْهَانَانِ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلْتِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ» (قصص، ۳۲)؛ «ای موسی، دستت را در گریبان خود ببر، آن‌گاه که خارج شود، بی هیچ بیماری و عارضه‌ای، سفید و درخشان خواهد بود و از خوف خدا بازویت را به خود بچسبان و فروتن و خاشع باش و همچون متکبران بازوان خود را مگشای. این دو آیت حجت‌های روشنی از جانب پروردگار

تواند. با این دو برهان به سوی فرعون و اشراف قوم او برو که آنان مردمی هستند که از راه خدا بیرون رفته‌اند».

یکی از معجزات بارز حضرت موسی (ع) ید بیضاء یا همان دست سفید و درخشنده بود. در تفاسیر آمده که سفیدی دست حضرت موسی (ع) «درخششی شبیه به درخشش خورشید دارد که چشم‌ها از شدت سفیدی آن تاریک می‌شوند» (بلخی، مقاتل بن سلیمان، ۵۳/۲) و برخی هم گفته‌اند که «نور آن بر نور خورشید غلبه دارد» (طبرسی، جوامع الجامع، ۴۵۸/۱). پروردگار متعال، در داستان بنی اسرائیل، بارها معجزه ید بیضای حضرت موسی (ع) را به فرعونیان نشان داد. خداوند با قرار دادن دست آن حضرت به این رنگ و سفید جلوه دادن دستش، آن را نشانه الهی و معجزه معرفی کرده تا قوم متعصب و بهانه‌جوی بنی اسرائیل با دیدن این رنگ آرامش پیدا کنند و ایمان به مکتبش را راحت‌تر پذیرا باشند.

۴. لذت بخشی و آرامش

۱-۴. «بَيْضَاءٌ لَذَّةٌ لِلشَّارِبِينَ» (صافات، ۴۶)؛ «[باده‌ای] سخت سپید که نوشندگان را لذتی [خاص] می‌دهد».

۲-۴. «كَأَنَّهُنَّ بَيْضٌ مَّكْنُونٌ» (صافات، ۴۹)؛ «گویی از [لطافت و سفیدی] همچون تخم‌مرغ‌هایی هستند که (در زیر بال و پر مرغ) پنهان مانده (و دست انسانی هرگز آن را لمس نکرده است)»؛ گفته‌اند که «این بهترین و نیکوترین رنگ هاست». (ابن جوزی، ۵۴۱/۳)

۵. رنگ سفید مو، نشانه پیری

قرآن در آیه‌ای دیگر نیز از رنگ سفید البته به طور غیر مستقیم و با استعاره‌ای زیبا یاد می‌کند:

«قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاسْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا» (مریم، ۴)؛ «گفت: پروردگارا! استخوانم سست شده؛ و شعله پیری تمام سرم را فرا گرفته؛ و من هرگز در دعای تو، از اجابت محروم نبوده‌ام».

در مورد اشتعال رأس گفته شده است: «اشتعال، انتشار شعله‌ها و لهیب آتش در آن چیزی است که آتش گرفته است؛ و آیه «وَاسْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا» از نیکوترین استعارات است و معنای آن انتشار پیری (سفیدی مو) در سر است، همان گونه که شعله‌های آتش انتشار پیدا می‌کند». (طباطبایی، ۸/۱۴) همچنین گفته‌اند: «تشبیه محاسن در سفیدی و انتشار

آن در مو به شعله‌های آتش است». (آندلسی، ۲۳۹/۷) طبرسی نیز گفته است: معنای آن «درخشش محاسن در سر است». (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۷۷۶/۶) وقتی که موها و محاسن انسان به سرعت فراگیر شدن شعله‌های آتش شروع به سفید شدن می‌کنند و نوید پیری را به انسان می‌دهند، ناخودآگاه در انسان احساس پیری، سستی، ضعف و ناراحتی حاصل از این حالت پدید می‌آید.

۶. تجلی ناراحتی در رنگ سفید چشم

از آیه «وَ اَبْيَضَتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ»، «... و چشمانش از اندوه سپید شد...» (یوسف، ۸۴)؛ به دست می‌آید که بینایی حضرت یعقوب (ع) از بین رفته بود. بعضی‌ها گفته‌اند با بیاض عین، مقداری از بینایی باقی می‌ماند. میزان در ردّ این سخن می‌گوید: آیه ۹۳ همین سوره که می‌گوید: این پیراهن مرا ببرید و به صورت پدرم بپندازید که بینا می‌شود، دلیل آن است که بینایی وی از بین رفته بود.

آیه صریح است در این که سفیدی چشم یعقوب، معلول حزن بود. آمدن مژده یوسف نیز توأم با سرور بود، لذا سرور سبب شده که به تدریج چشم حضرت یعقوب صحت یابد چنان که آیه ۹۳ و ۹۶ از آن خبر می‌دهد، بنابراین معجزه‌ای در کار نبوده، چشم یعقوب هم به کلی از بین نرفته بوده، این یک مداوای عجیبی است که قرآن اشاره می‌کند. (قرشی، ۲۵۲/۱)

و آمده است: «وَ اَبْيَضَتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ از بیاض با فتحه و آن رنگ سفید است». (طریحی، ۱۹۷/۴)

خداوند سفیدی چشم را حاصل «شدت غم و حزن دانسته و مفسران این سفیدی را به کوری تعبیر می‌کنند». (طوسی، ۱۸۲/۶)

خدای متعال، رنگ سفید چشم را ناراحت کننده، بیانگر شدت غم و اندوه و سفیدی موها و محاسن را بیانگر سستی، پیری و ضعف می‌داند؛ و از طرفی آن را لذت بخش و لطیف بیان می‌کند و تأثیر این رنگ را دو وجهی می‌شمارد و علم روان‌شناسی هم با این جمله که می‌گوید: این رنگ می‌تواند رنگ یک سرویس گران قیمت چینی باشد و یا رنگ یک ظرف کاغذی یک بار مصرف؛ دو وجهی بودن این رنگ را اذعان کرده و مؤید همین مطلب در قرآن است.

۷. تأثیر رنگ سفید در همنشینی و ترکیب با رنگ سیاه

۱- ۷ «... كُلُوا وَ اشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ...» (بقره، ۱۸۷)؛ «... بخورید و بیاشامید تا رشته سفید بامداد از رشته سیاه [شب] بر شما نمودار شود...».

۲- ۷ «وَ حُورٌ عِينٌ» (واقعه، ۲۲)؛ «و حوران چشم درشت».

۳- ۷ «يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ» (آل عمران، ۱۰۶)؛

۴- ۷ «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيْضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٌ» (فاطر، ۲۷)؛

۵- ۷ «كَذَلِكَ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ» (دخان، ۵۴)؛

۶- ۷ «مُتَكَبِّرِينَ عَلَى سُرُرٍ مَّصْفُوفَةٍ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ» (طور، ۲۰)؛

۷- ۷ «حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ» (رحمن، ۷۲)؛

در آیات فوق می بینیم که رنگ سیاه و سفید به صورت زیبایی در کنار هم آمده اند؛ و زیباتر از همه این است که این دو رنگ در یک کلمه -که آن هم حور می باشد- آمده است. حور در لغت «شدت سفیدی چشم در شدت سیاهی آن است». (مصطفوی، ۳۰۶/۲؛ طریحی، ۲۷۸/۳) و در تفاسیر در این مورد نظرات مختلفی ذکر شده است، از جمله این نظرات: «سفید روی» (بلخی، مقاتل بن سلیمان، ۸۲۶/۳)، «سفید» (فراء، ۴۴/۳)، «سفید رو و با چشمان زیبا» (سمرقندی، ۲۷۴/۳)، «سفید روی و با لباس سبز و خالی از زیور آلات» (سورآبادی، ۲۲۹۳/۴) و «سفیدبودن سفیده چشم به غایت سفیدی و سیاهه آن در نهایت سیاهی». (ابو الفتوح رازی، ۲۱۹/۱۷)

چنان که از معنای حور در لغت و تفاسیر برمی آید، حور دارای رنگ سفید و سیاه است و مطابق علم امروزی، «استفاده از رنگ سیاه و سفید در کنار هم باعث می شود که فرد از درون آرامش یابد و عدم تعادل و توازن وی از بین برود». (لوشر، ۹۹)

نیز مشاهده می شود که قرآن، با ظرافت بسیار زیاد و زیبایی، از جهنم و عاقبت کافران سخن می گوید بدون اینکه کوچک ترین تأثیر منفی در درون مخاطب خود ایجاد کند.

۸. توصیف اعجاز آمیز بهشت با توجه به تأثیرات رنگ سفید

«اگر کسی کلمه قرمز را که نام یک رنگ است، بر زبان آورد و پنجاه نفر هم آن را بشنوند،

می‌توان گفت که پنجاه نوع قرمز به ذهن آن‌ها خطور می‌کند و مطمئناً همه آن‌ها هم با هم متفاوت هستند.

حتی هنگامی که رنگ خاصی را مشخص می‌کنیم که تمام افرادی که نام آن را می‌شنوند بارها آن را دیده باشند، باز هم هر یک از آن‌ها قرمزی متفاوت با دیگری را به خاطر خواهد آورد.

وقتی که پیوستگی‌ها (تداعی‌ها) و واکنش‌هایی را که در ارتباط با رنگ و نام آن تجربه شده‌اند، به رنگ اضافه می‌کنیم، احتمالاً باز هم اختلاف در مورد تشخیص رنگ بیشتر خواهد شد. این‌ها چه چیزی را نشان می‌دهند؟

به خاطر آوردن رنگ‌های مشخص، اگر غیر ممکن نباشد، مشکل است. این مسئله این حقیقت مهم را مورد توجه قرار می‌دهد که حافظهٔ بصری در مقایسه با حافظهٔ شنوایی بسیار ضعیف است. در حافظهٔ شنوایی، اغلب دیده می‌شود که شخص پس از یک یا دو بار شنیدن یک ملودی، می‌تواند آن را تکرار نماید». (آلبرز، ۲۰-۲۱)

پس حافظهٔ بصری ضعیف است و تصور دوبارهٔ انسان بعد از دیدن رنگ آن است که خود می‌خواهد نه آن که مورد نظر نویسنده و یا گویندهٔ نام رنگ است.

«یکی از مهم‌ترین روش‌های تصویر آفرینی در قرآن، سخن گفتن دربارهٔ مجردات و معنویات در لباس محسوسات و اجسام مادی است. «روش تصویر و نمایش هنری» (محسوس‌سازی و تجسیم) از روش‌های تعبیری، برتر و زیباتر است. برای بیان این برتری کافی است که معانی در صورت‌های ذهنی مجرد تصور شود (تخیل هستی)، سپس آن‌ها را در صورت‌های تصویری، شخصیت‌پردازی کنیم (تجسیم فنی)؛ در روش اول، ذهن و ادراک مخاطب‌اند، ولی در روش دوم، حس و وجدان. قانون «تخیل» و آئین «تجسیم» دو قانون بارز و آشکار در بیان و نمایاندن تصاویر فنی و هنری قرآن است». (پیری سبزواری، ۲)

قرآن با به کارگیری این دو قانون و روش، شیوه‌ای اعجاز‌آمیز به نمایش می‌گذارد؛ بدین صورت که با نام بردن رنگ سفید در توصیف بهشت، نوشیدنی‌ها و همسران بهشتی، مخاطب را وادار به تصور رنگ سفید می‌کند. چنان‌که بیان شد، مخاطب نیز آن رنگی را که خود به آن علاقمند است، تصور می‌نماید. لذا انسان با خواندن و یا شنیدن آیاتی که در آن‌ها بهشت با رنگ سفید توصیف شده است، بهترین حالت رنگ سفید را در اوج لطافت، شرافت، روشنی، پاکي، ملاحظت، صفا، رؤیا و... برای خود در بهترین مکان به تصویر می‌کشد و این یک عامل بسیار فوق العادهٔ روان‌شناسانه برای ترغیب انسان‌ها به انجام اعمال نیک



و دوری از گناه است که قرآن از آن استفاده کرده است.

۹. رنگ سفید در قرآن از دیدگاه شرق شناسان

برای بررسی دیدگاه شرق شناسان در مورد کاربرد رنگ سفید در قرآن کریم، نگاهی اجمالی به مقاله رنگ‌ها در جلد اول دایره المعارف قرآن لایدن می‌کنیم: «قرآن از رنگ‌ها به طور کلی به عنوان نشانه‌هایی از آفرینش خداوند یاد می‌کند: واقعیت وجود رنگ‌های مختلف یا الوان، نه بار در قرآن ذکر شده است (دو بار در آیه ۶۹ سوره بقره و سوره فاطر آیه ۲۷ و نیز سوره نحل آیه ۱۳ و ۶۹؛ سوره روم آیه ۲۲، سوره فاطر آیه ۲۸ و سوره زمر آیه ۲۱) که اغلب به عنوان نشانه‌هایی از کارهای خداوند در آفرینش مطرح شده‌اند. همان گونه که مورد انتظار بود، اکثر یادکردها از رنگ‌ها به همین دلیل صورت گرفته است.

رنگ سیاه و سفید اغلب در تضاد باهم هستند و همان گونه که مورد انتظار بود بخش مهمی از آیات قرآن درباره رنگ را شامل می‌شوند. ابیض (با در نظر گرفتن شکل جمع و تانیث آن) ۸ بار در قرآن به کار رفته است (ریشه آن همچنین برای «بیض مکنون» صافات، ۴۹) استفاده شده است. در آیه ۲۷ سوره فاطر، رنگ سفید به عنوان رنگ آفرینش یاد شده است و در کنار رنگ‌های دیگر مانند قرمز، سیاه و بسیاری از رنگ‌ها به عنوان توضیحی از رنگ‌ها در کوهستان‌ها، به همین گونه شاید آیه ۴۶ سوره صافات، توصیفی از آب در بهشت است اما این امر می‌تواند به عنوان کاربرد رنگ سفید به عنوان نشانه پاکی و خلوص باشد، نکته‌ای که در تضاد با رنگ سیاه در آیات ۱۰۶ و ۱۰۷ سوره آل عمران هست؛ جایی که چهره‌های مومنان به سفیدی می‌درخشد و کافران به رنگ سیاه مشخص می‌شوند. حس دیگری که رنگ سفید القا می‌کند، شادیست و رنگ سیاه، نمایانگر غم و غصه است. همچنین، دست موسی به طور معجزه‌آسایی سفید و درخشان بود هنگامی که آن را از جامه خود به عنوان شاهدهی بر صدق ادعا بیرون آورد و نیز حامل حس پاکی و صفا بود.

از لحاظ تعداد، این بیشترین کاربرد رنگ سفید بود که در آیات ۱۰۸ سوره اعراف، ۲۲ سوره طه، ۳۳ سوره شعرا، ۱۲ سوره نمل و ۳۲ سوره قصص بیان شده است. البته این متون تفسیر دیگری نیز دارند که کاملاً در مقابل تفسیر قبلی است و این تفاسیر بر وجه اعجاز بیشتر از وجه استعاره تأکید می‌کنند. با استفاده از تفسیر خاخامی، برخی از مفسران مسلمان از این قرائت آگاه بودند که دست موسی با جذام سفید بود، بنابراین سفید به معنای ناخالصی

و آلودگی معنا خواهد داد. بنابر این در متنی که باید به شکل اصطلاحی فهمیده شود، غم یعقوب در فراق یوسف در آیه ۸۴ سوره یوسف به عنوان عاملی در سفید شدن چشمانش قلمداد شده است که این غم منجر به نابینایی شد. تفاوت میان نخ سفید و نخ سیاه در آیه ۱۸۷ سوره بقره آن گونه که یکی دلالت بر شبانگهان و دیگری دلالت بر بامدادان دارد به عنوان نقطه‌ای برای بحث تفسیری درباره معنای عبارت بود. به طور کلی چنین اصطلاح‌شناسی تقابلی به عنوان عاملی برای فهم تفاوت میان تاریکی و روشنی استنباط می‌شود. به طور واضح رابطه‌ای میان این دو زوج وجود دارد مخصوصاً در سطح استعاره‌ای یا مجازی که خدا به عنوان منبع نور و پاکی شناخته می‌شود.

رنگ‌ها در قرآن هم به شکل کاربرد توصیفی و هم استعاره‌ای وجود دارند. کاربرد اصلی رنگ در تشریح قدرت آفرینش پروردگار بوده است که در حضور و تغییر رنگ‌های مختلف در جهان دیده می‌شود. البته ارزش‌های فرهنگی نیز در موارد کاربرد استعاری رنگ‌ها قابل رویت است». (ریپین، ۳۶۵-۳۶۱) البته نظر نویسنده مقاله در مورد تفسیر خاخامی و سفید شدن دست حضرت موسی (ع) بر اثر جذام قابل بررسی و نقد است که فعلاً از آن می‌گذریم.

رنگ سفید در احادیث

در روایتی از رسول الله (ص) آمده است: «از لباس‌های شما، هیچ کدام بهتر از لباس‌های سفید نیستند، برای پوشیدن آن را انتخاب کنید: «لَيْسَ مِنْ لِبَاسِكُمْ شَيْءٌ أَحْسَنُ مِنَ الْبِيضِ، فَالْبِسُوهُ». (پاک نژاد، ۶۹/۱۸).

«و شاید هم سبب پاکیزه‌تر بودن جامه سفید آن باشد که این رنگ بیشتر و بهتر از هر رنگ دیگری، لکه‌های سیاه را آشکار می‌سازد و پوشنده را زودتر به تعویض جامه و نظافت آن وادار می‌کند». (دانشمند، ۲)

براساس آیات قرآن، رنگ سفید از رنگ‌های بهشتی است و روایت ذیل نیز مؤید همین مطلب است:

«فرات بن ابراهیم کوفی در تفسیرش از ابن عباس (ره) روایت کرده است: زمانی که روز قیامت به پا شود، منادی ندا می‌کند:

ای مردم! چشمان خود را ببندید تا فاطمه (س)، دختر محمد (ص) عبور کند، فاطمه (س)، اولین کسی است که دوازده هزار حوریه از فردوس او را استقبال خواهند کرد. آنان احدی را قبل از فاطمه (س) و بعد از آن بانو استقبال نکرده و نخواهند کرد. آن حوریه‌ها



بر ناقه‌هایی سوارند که بال‌های آن از یاقوت، مهار آن‌ها از لؤلؤ و رحل‌هایی از درّ بر پشت آن‌ها است که بر هر یک از آن‌ها بالشی از سندس قرار دارد و رکاب‌های آن‌ها زبرجد است. آنان از صراط می‌گذرند تا فاطمه زهرا (س) را وارد فردوس می‌نمایند و اهل بهشت با آن بانو ملاقات خواهند کرد.

در وسط فردوس قصرهای سفید و زردی است از لؤلؤ که در یک محل می‌باشد. در آن قصرهای سفید، هفتاد هزار خانه است که منزل حضرت محمد (ص) و آل طاهر آن بزرگوار است». (روحانی علی آبادی، ۸۵۲)

بهشتی بودن دو رنگ زرد و سفید، بیانگر روشن، درخشنده، مصفا، لطیف، شریف، رؤیایی بودن و... می‌باشد. خداوند شرابی سفید را لذتی برای نوشندگان آن بیان کرده و با این بیان، درخشندگی این رنگ را موجب لذت و آرامش روح می‌داند.

عرب، زنان را به سفیدی تخم مرغ تشبیه می‌کند. همان گونه که شاعر عرب می‌گوید:

المقانات البياض بصفرة غذاها نمیر الماء غیر محلل» (ابن قتیبه، ۳۱۹/۱)

این نکته نیز قابل توجه است که رنگ سفید مانند رنگ‌های ملایم ابرهای تابستانی، لطیف و رؤیایی است؛ و خود این تأثیر، باعث ایجاد لطافت روحی و اوج لذت در رؤیا می‌شود. به همین دلیل هم همسران بهشتی را سفید معرفی می‌کند تا آرامشی برای بهشتیان باشند و از آن‌ها لذت ببرند.

نتیجه گیری

در قرآن کریم از رنگ‌ها از جمله رنگ سفید سخن به میان آمده است و به برخی تأثیرات آن‌ها پرداخته شده است. قرآن، این رنگ را نشانهٔ سعادت معرفی کرده و اذعان می‌کند که خداوند متعال در قیامت، کسانی را که اعمال صالح انجام می‌دهند، با چهره‌ای به این رنگ محشور می‌نماید؛ لذا چهرهٔ سفید و درخشندهٔ مؤمنان نمایانگر این خصوصیات در آن‌هاست.

قرآن در توصیف بهشت، این رنگ را از رنگ‌های بهشتی می‌داند و از برخی بهشتیان، نوشیدنی‌های بهشتی، همسران بهشتی و...، با این رنگ یاد می‌کند. از جمله خصوصیات این رنگ، تصور اوج لطافت، صفا، آرامش، رؤیا و... است. بهشت نیز چون سرای جاودانه و به دور از خستگی، ملالت، اضطراب، تاریکی و... با این رنگ توصیف می‌شود. با توجه به اینکه انسان با شنیدن و خواندن نام هر رنگ، آن رنگی را که مورد پسند خودش است، متصور می‌شود، قرآن نیز با معرفی بهشت به رنگ سفید، مخاطب را به تصور بهترین حالت این رنگ می‌کشاند؛ و انسان بهترین رنگ و حالت و مکان را برای خود در سرای جاودان تداعی کرده و این یک عامل روان‌شناختی برای ترغیب انسان‌ها به انجام اعمال صالح و دوری از گناه می‌باشد.



منابع:

۱. قرآن کریم
۲. آلبرز، جوزف، تأثیر متقابل رنگ‌ها، عرب علی شروه، تهران، طلوع آزادی، ۱۳۶۸ش
۳. آندلسی، ابو حیان محمد بن یوسف، البحر المحيط فی التفسیر، بیروت، دار الفکر، ۱۴۲۰ ق
۴. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۲۲ق
۵. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، غریب القرآن، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۲۰ق
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق
۷. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۴۰۸ ق
۸. احمدی، بابک، حقیقت و زیبایی (درس‌های فلسفه هنر)، تهران، سعدی، ۱۳۸۳ش
۹. ایتن، یوهانس، عناصر رنگ ایتن، بهروز ژاله دوست، تهران، عفاف، ۱۳۷۸ش
۱۰. بلخی، مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت، دار احیاء التراث، ۱۴۲۳ ق
۱۱. پارسا، محمد، بنیادهای روان‌شناسی، تهران، سخن، ۱۳۷۸ش
۱۲. پاک نژاد، سید رضا، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، تهران، هما، ۱۳۶۳ش
۱۳. پهلوان حسین، اکرم، روان‌شناسی رنگ‌ها و قرآن کریم، مجموعه مقالات بیست و پنجمین دوره مسابقات بین‌المللی قرآن کریم، مشهد، معاونت فرهنگی سازمان اوقاف و امور خیریه، ۱۳۸۷ش
۱۴. تستری، ابومحمد سهل بن عبدالله، تفسیر التستری، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۳ق
۱۵. ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم، الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق
۱۶. خطیب، عبدالغنی، قرآن و علم روز، اسد الله میشری، تهران، صفا، ۱۳۶۲ش
۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دمشق/بیروت، دارالعلم الدار الشامیه، ۱۴۱۲ق
۱۸. روحانی علی آبادی، محمد، زندگانی حضرت زهرا (س)، تهران، مهام، ۱۳۷۹ش
۱۹. سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد، بحرالعلوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۴ ش
۲۰. سور آبادی، ابوبکر عتیق بن محمد، تفسیر سور آبادی، فرهنگ نشر نو، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۰ ش
۲۱. شی‌جی‌وا، هیداکا، همنشینی رنگ‌ها (راهنمای خلاقیت در ترکیب رنگ‌ها)، فریال دهدشتی شاهرخ، تهران، کارنگ، ۱۳۷۷ش.
۲۲. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق
۲۳. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش
۲۴. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش
۲۵. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، تهران، کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۷۵ش

۲۶. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا
۲۷. عرب اول، منصوره، دنیای رنگها، مرز پرگهر، سال هشتم، اردیبهشت، ۱۳۸۸ش
۲۸. فراء، ابوزکریا یحیی بن زیاد، معانی القرآن، مصر، دارالمصریه للتألیف و الترجمة، بی تا
۲۹. قشیری، عبدالکریم بن هوازن، لطایف الاشارات، مصر، الهيئة المصرية العامة للكتاب، بی تا
۳۰. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۱ش
۳۱. لوشر، ماکس، روان شناسی رنگها، ترجمه ویدا ابی زاده، تهران، درس، ۱۳۷۳ش
۳۲. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ ش
۳۳. ویتگنشتاین، لودویگ، درباره رنگها، لیلی گلستان، تهران، مرکز، ۱۳۷۹ش
۳۵. اصغری نژاد، محمد، پژوهشی در رنگ و پوشش های رنگی در اسلام، WWW. Seraj. ir
۳۶. پیری سبزواری، حسین، جلوه هایی از اعجاز هنری قرآن از دیدگاه سید قطب، www. wegetweb. com
۳۷. دانشمند، مرتضی، استفاده از رنگ های شاد، www. wegetweb. com
38. Rippin(2005),EQ,vol1,pp361-365